

THANOS



#4

LEMIRE
DEODATO
MARTIN

MARVEL

دورنامه
dorrname.ir

کاری از: کیوان داوند

یک ماه قبل.

آره. همشونو نابود کن ئین؟
بلک کوادرانت متعلق به توئه!
این مکان حق توئه!

ARRRGHH!

این مکان زمانی
جزء استحکامات پدرت
بود. الان می تونه مال تو
باشه. این میراث و سرنوشت
توئه! نمی تونی حسش
کنی ئین؟

آره!



آیا اراده تو تا این حد ضعیفه پسر؟ متوجه نیستی که ابونى مانو داره ازت سو، استفاده می کنه؟ اون می خواد این محل رو مال خود کنه.

کوروس کلیوا این محل هرگز به تو تعلق نداشته! اینجا متعلق به سرور ما ثانوسه.



اینجا حق موروثی تینه! من فقط کمکش می کنم که به چیزی که براش مقدره برسه!

مراقب باش مانو. بذار من...

نه! کوروس کلیو رو به من واگذار کن.



یه زمانی در فرقه سیاه مثل دو تا برادر بودیم. فکر می کنی نفهمیدم نقشه چه چیزی رو در سر داری؟



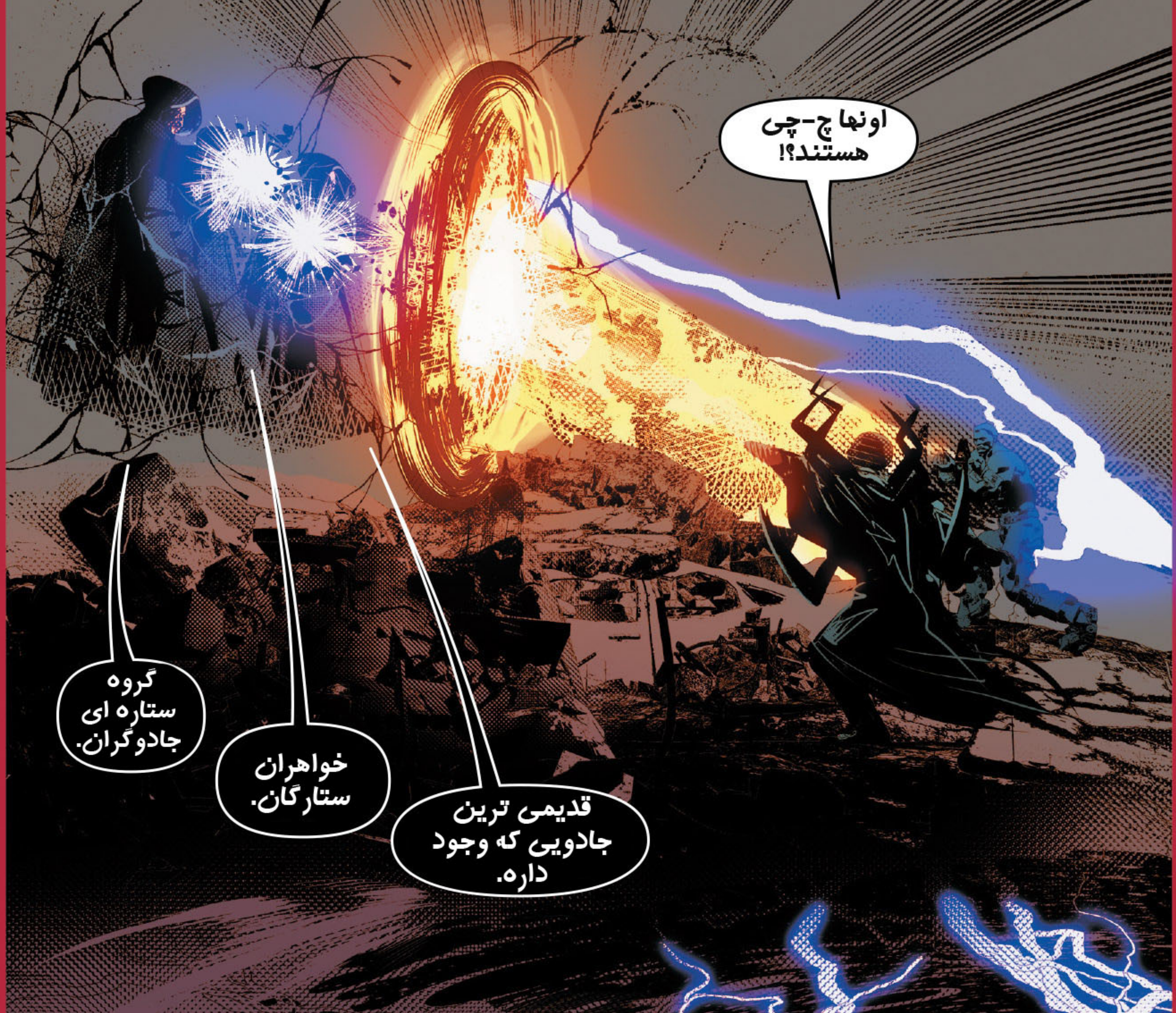
فکر می کنی برای این حمله آماده نبودم؟

این جادو گر ها؟! چطور؟! اونها که خیلی وقته از بین رفتندا!

خیلی وقت

نیست

یاوه گو.

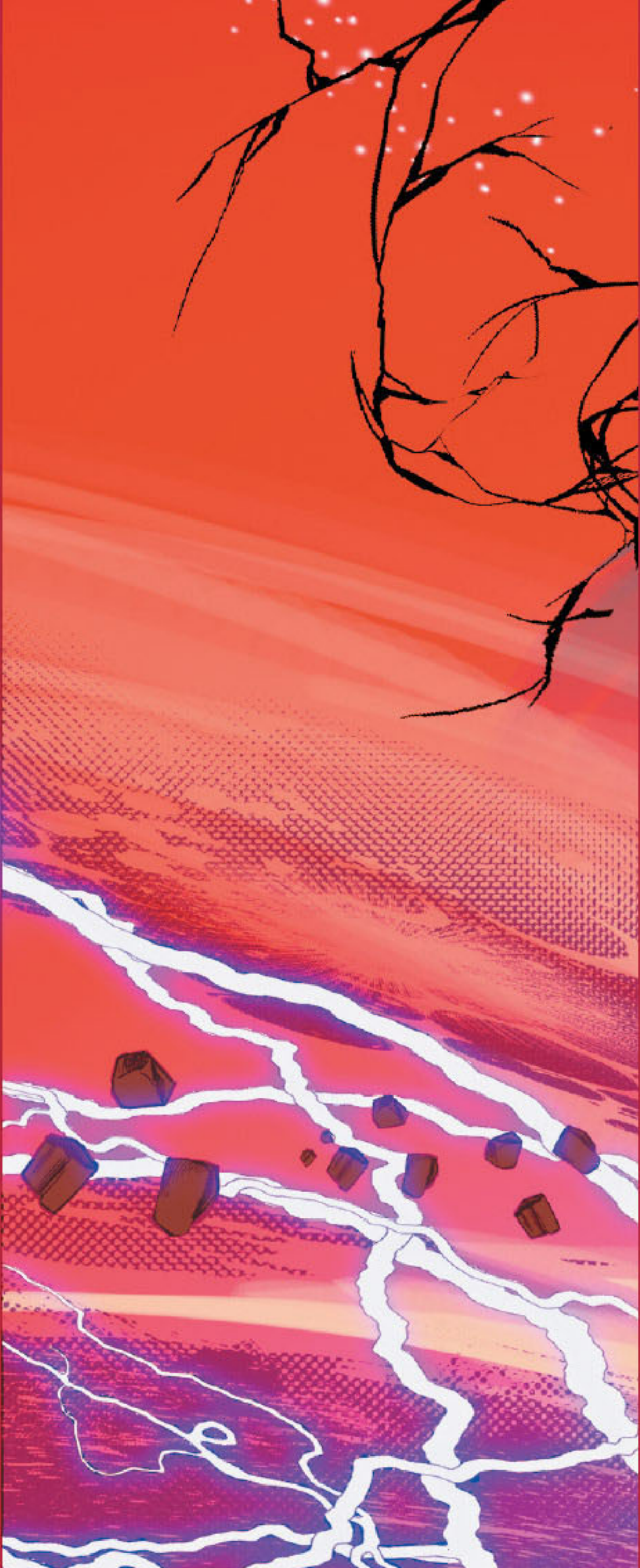


اونهاج-چی هستند؟! هسند؟!

گروه ستاره ای جادوگران.

خواهران ستارگان.

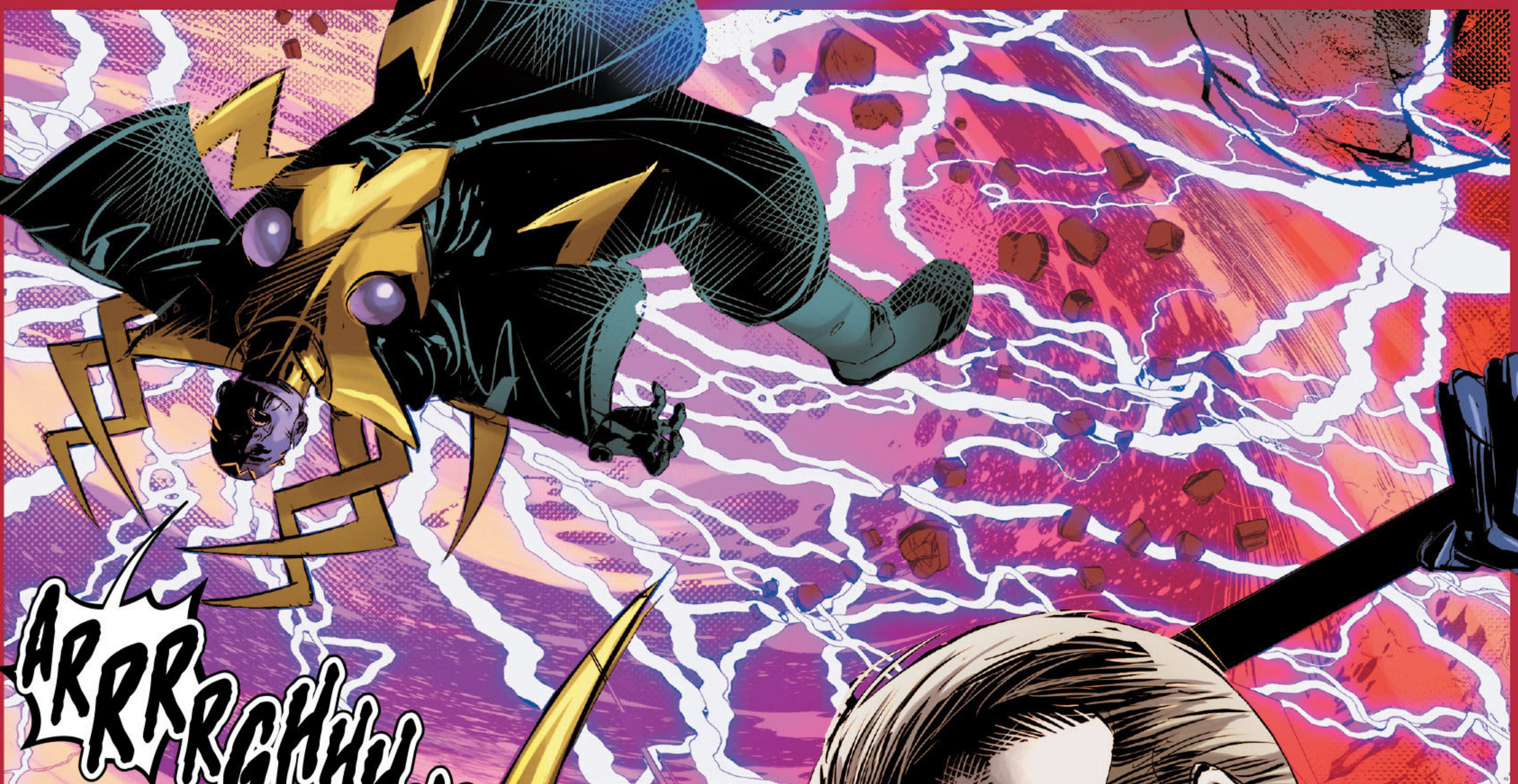
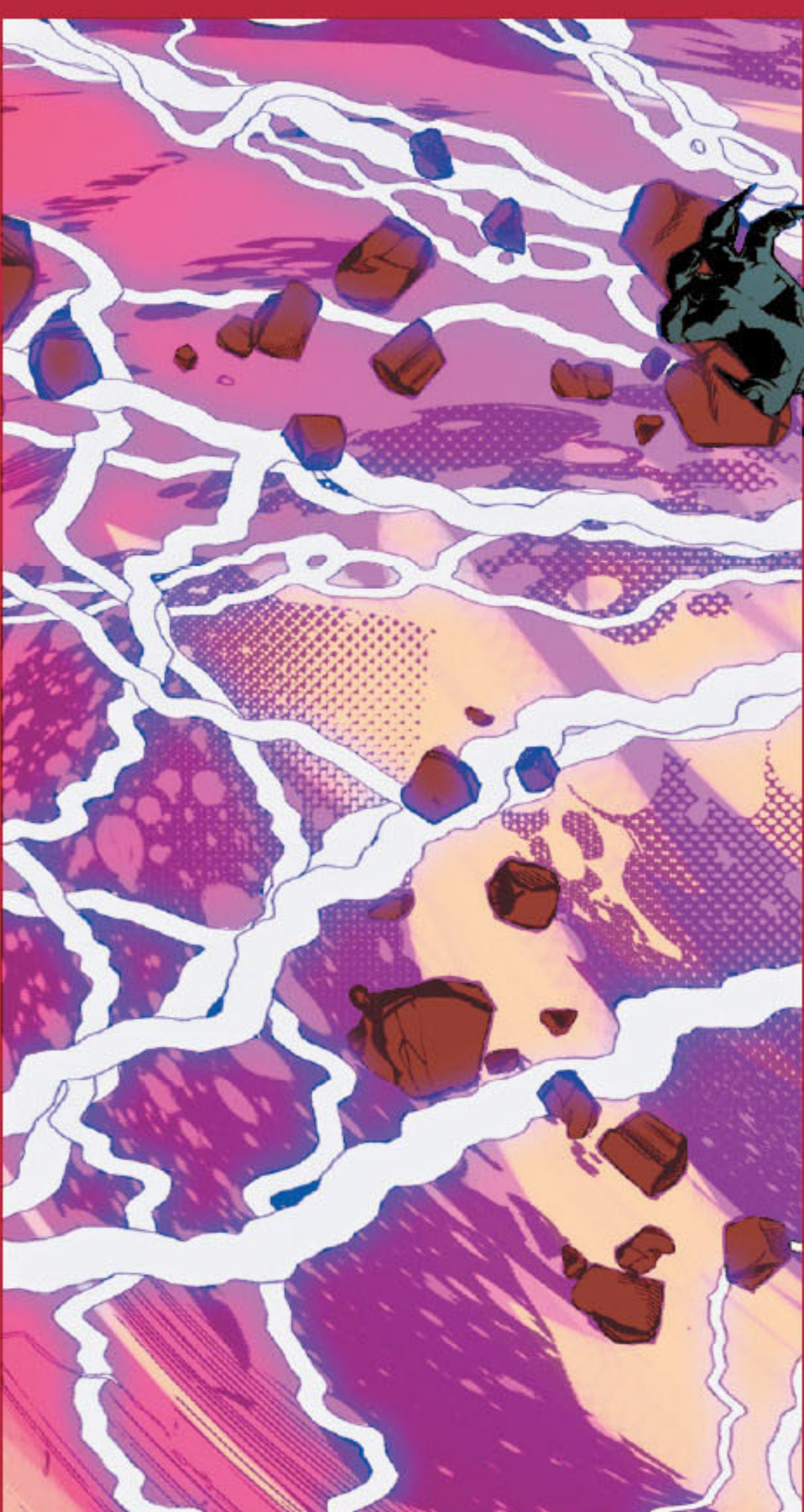
قدیمی ترین جادویی که وجود داره.



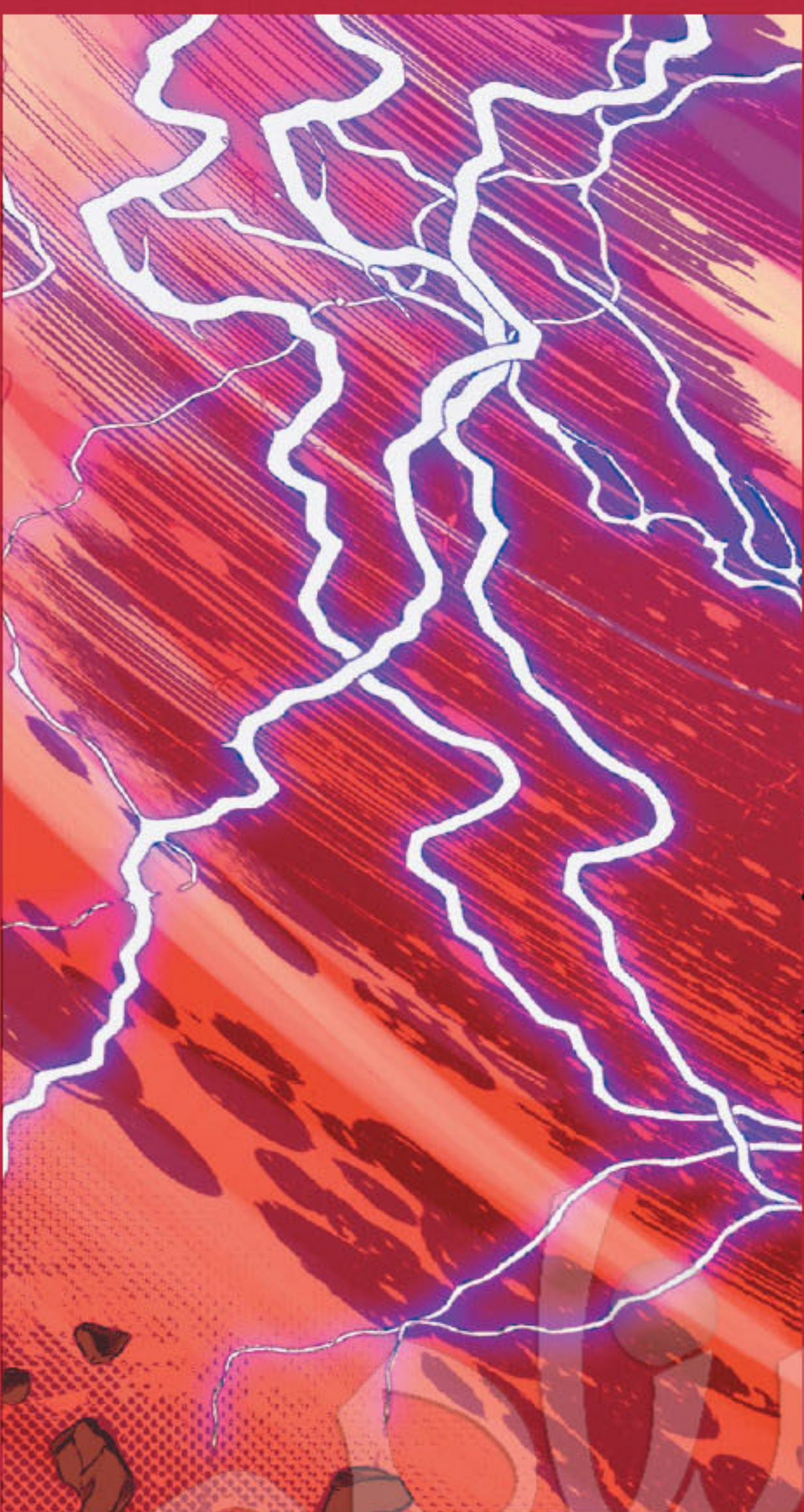
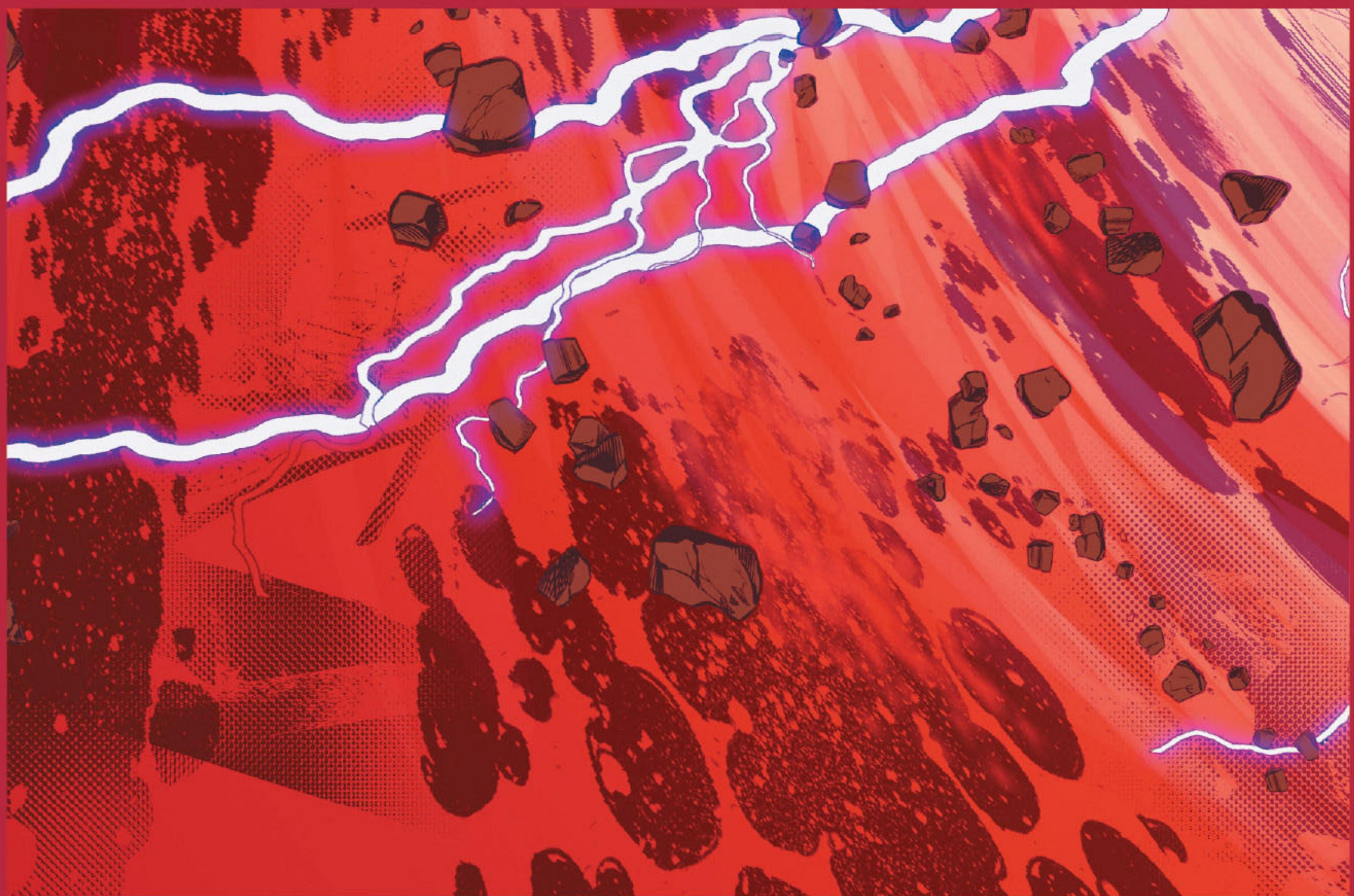
هیچ قدرتی وجود نداره.

که باهانش روبرو نشده باشیم.

و یاد نگرفته باشیم که کنترلش کنیم.



ARRRRGH!!!



نه!

آره، کرم کوچک. اسباب بازی تو قدرتی نداره.



پسرهای
ثانوس

سقوط
کردند.

اینبار
اثری از ثانوس
نخواهد بود.



کوروس
خواهش می کنم.
گوشت کن...

به اندازه کافی حرف زدی
ابونی ما. اگر سعی کنی دوباره
حرف بزنی، زبانتو قطع می کنم.



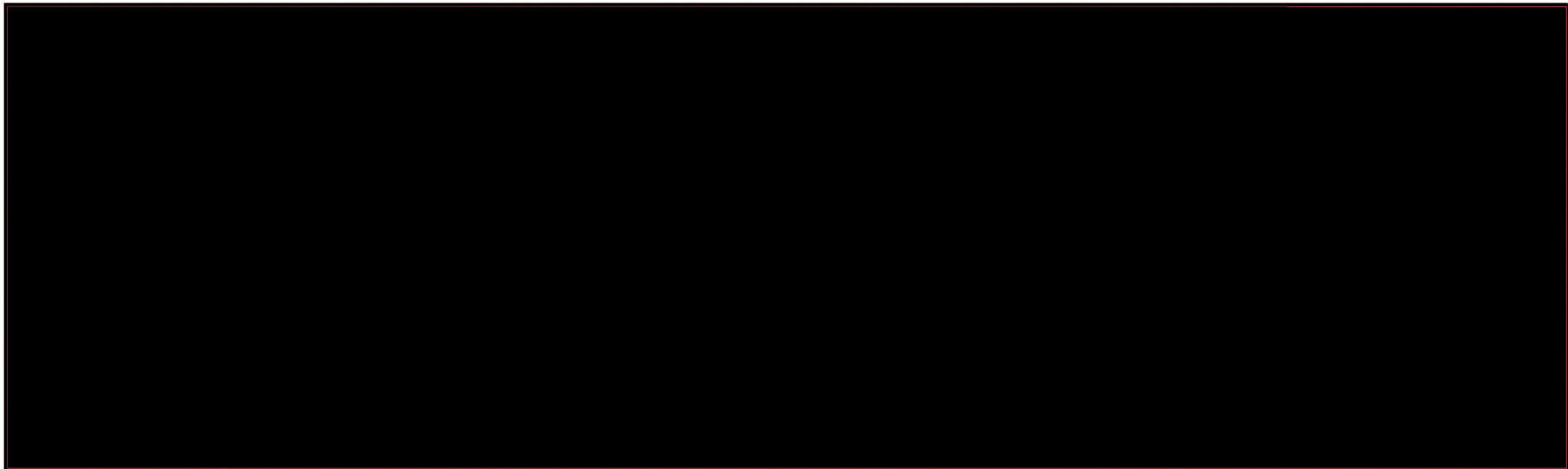
بکشیدش!

LINGH!

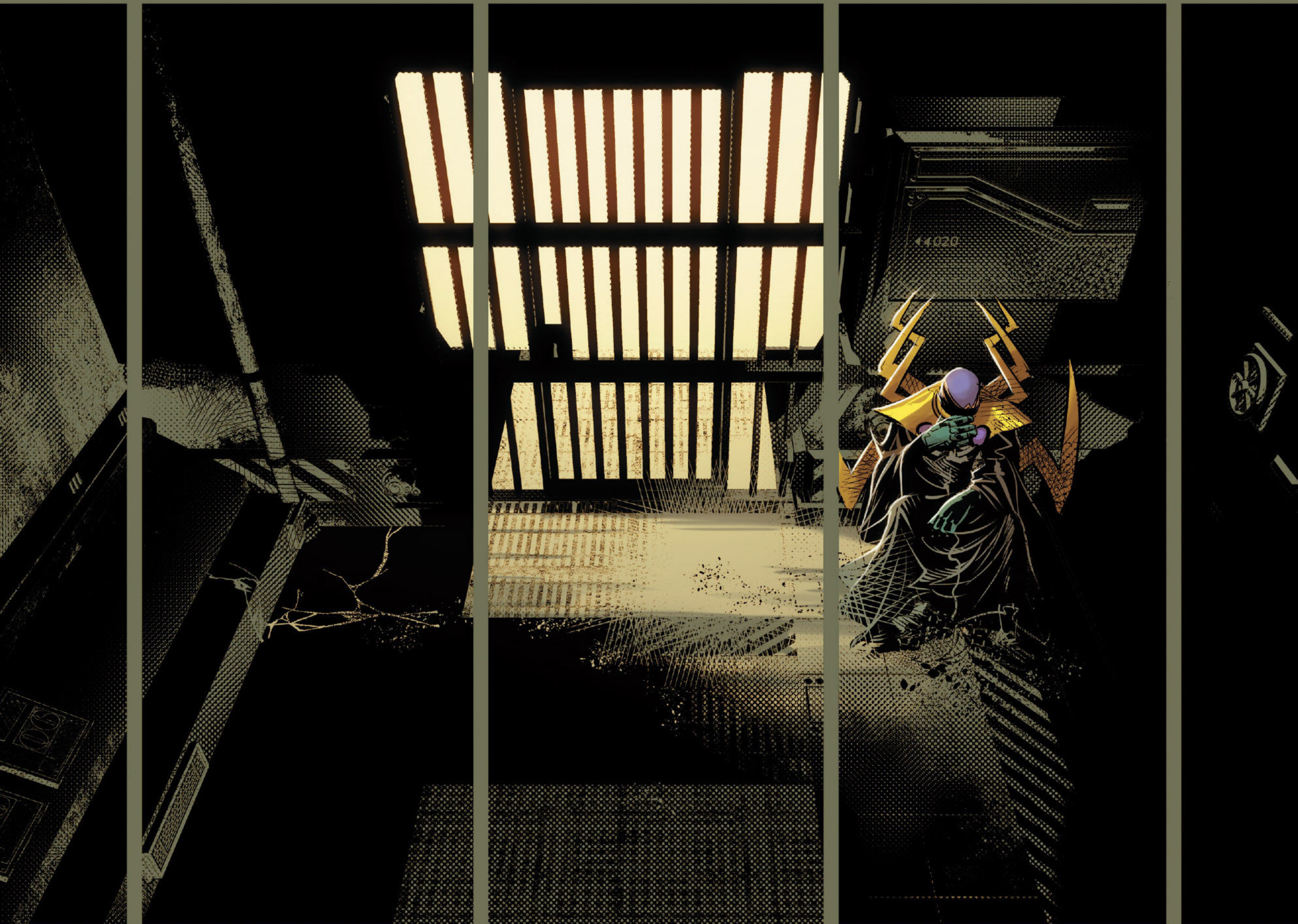


ک-کمک!

کمکم
کنید!



۷ ماه پیش.



هی، پسر ثانوس،
بهتره خودتو تکون
بدی. اینجا قراره
شلوغ تر بشه.

دست از سرم
بردار عوضی! این
راه رفتار با یکی
از سن بالاها
دنیا نیست!



برو تو
و خفه شو
اسلاتروس.

سر هر دو
شما رو از بدن
جدا می کنم!

نه فقط شما دو تا! به رئیستون
بگید! به کوروس گلیو بگید که
تریگو اسلاتروس، قهمان جهان
ازتون انتقام می گیره!

آه-هاه.
حتماً رفیق.
به هر حال.





سلام. تو
سایه ها ندیدمت. مرد
کوچک.

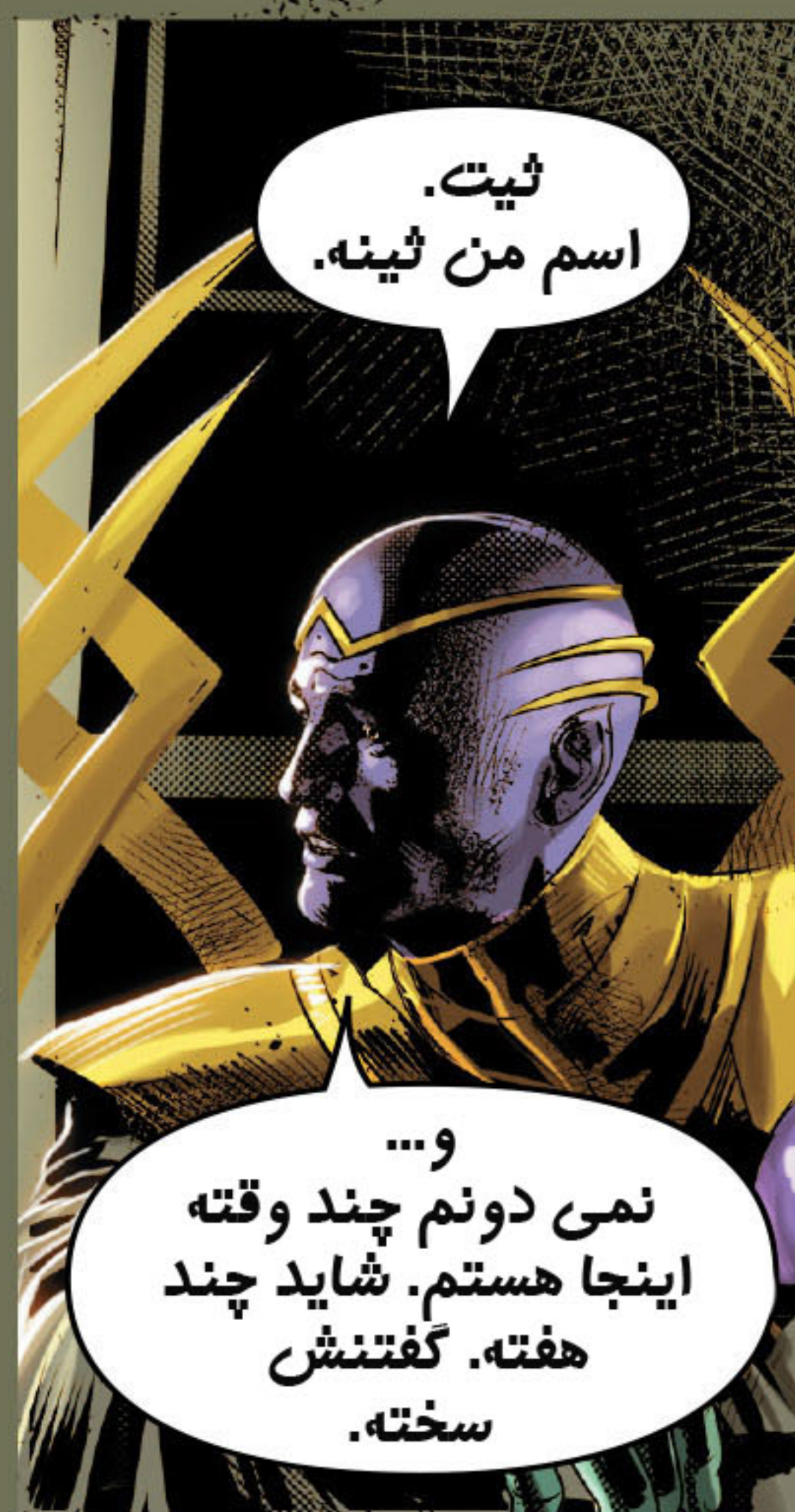
اسم من اسلاتروسه.
تریگو اسلاتروس. ولی خیلی ها
منو به اسم قهرمان دنیا
می شناسند.

آره.
شنیدم.



آره خوب. البته. اینجا
یه زباله دونی واقعیه، مگه نه؟
بوی گندش حالمو
به هم می زنه.

چند وقته
اینجا گیر افتادی...؟



ثیت.
اسم من ثینه.

و...
نمی دونم چند وقته
اینجا هستم. شاید چند
هفته. گفتنش
سخته.



واقعاً؟

ثین؟ از اطرافیان
ثانوس؟ من در مورد
تو شنیدم پسر!

حتماً! اخبار فتوحاتت خیلی
سریع همه جا پخش شده.

ولی می بینم
که اوضاع زیاد خوب پیش نرفته.
انگار زیاد شبیه پدرت نیستی، مگه نه؟



نه. من پدرم نیستم.
با این مسئله مشکلی داری؟

واو!
مشکلی ندارم. آرام
باش مرد کوچک. قصد
توهین نداشتم.



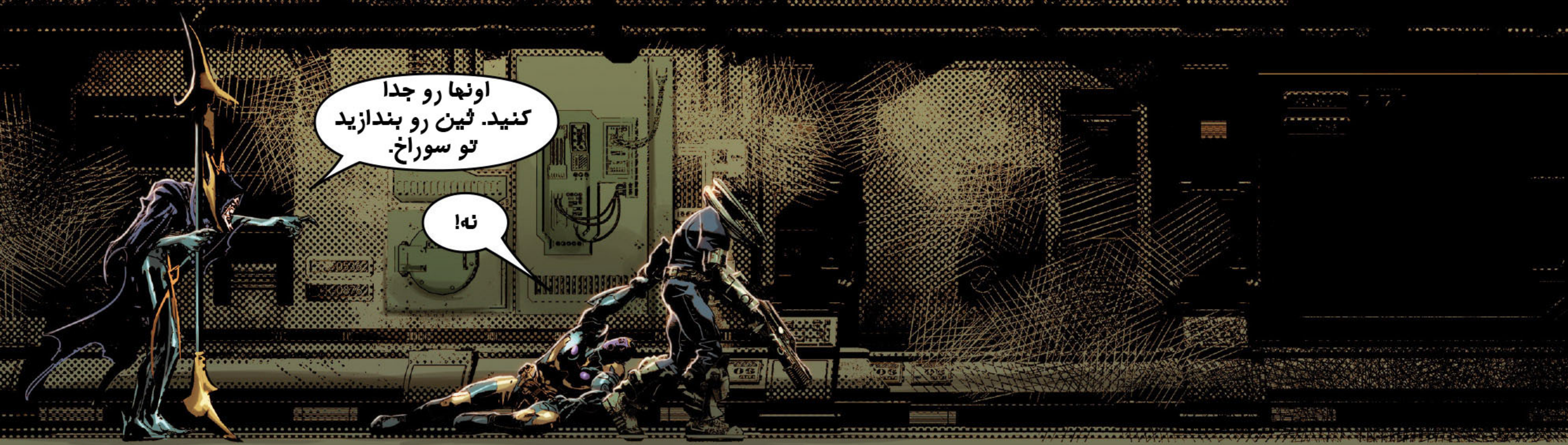
فقط با من حرف
زن... باشه؟ قبل از این
که بیایی حالم بهتر بود.

هامیفه!
هر جور راحتی!



4 ماه پیش.





اونهارو جدا
کنید. ئین رو بندازید
تو سوراخ.

نه!



برو
تو!

خواهش می کنم!
خواهش می کنم این
کارو نکنید!

خفه شو!

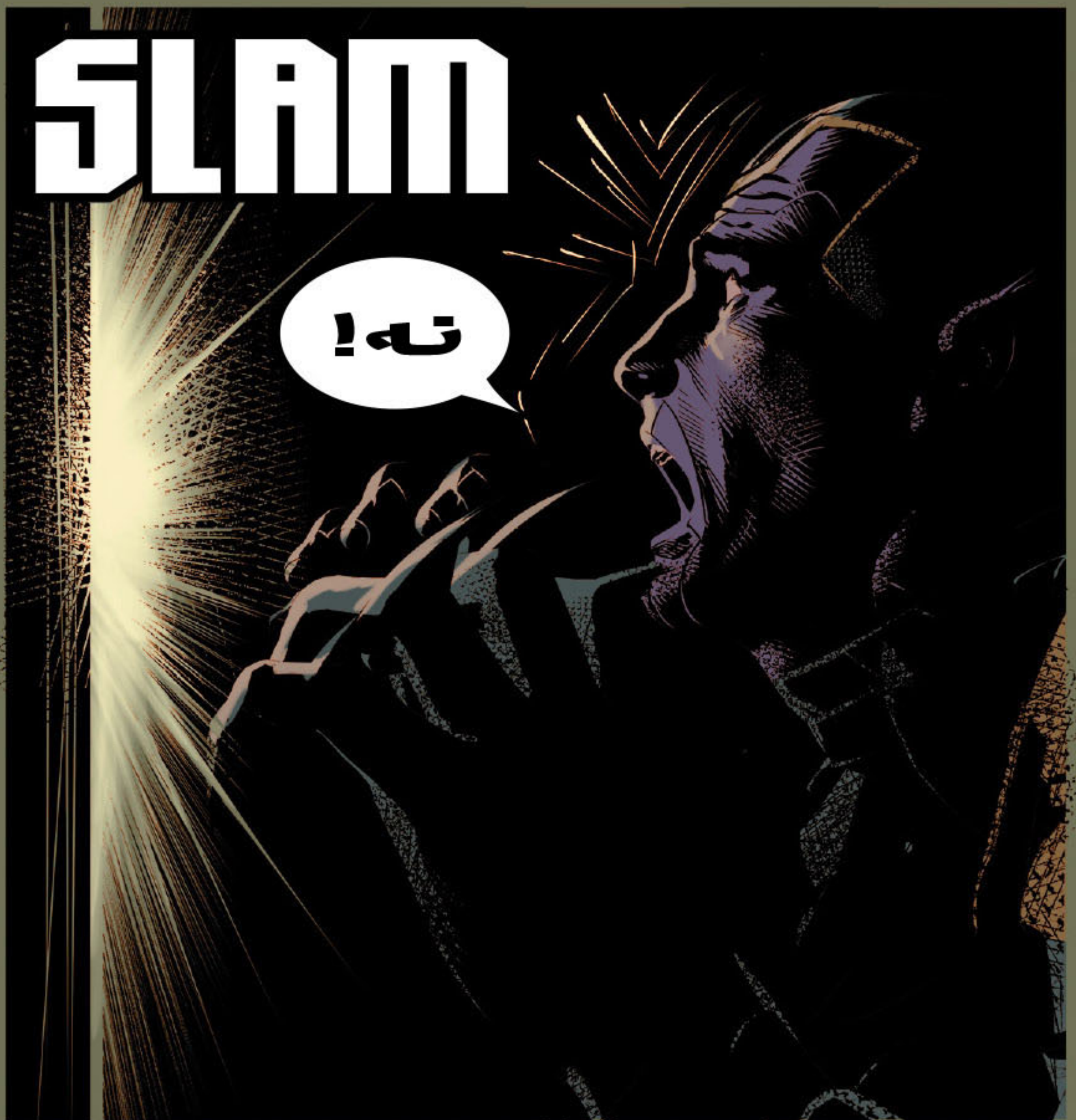


خواهش می کنم
کوروس کلیو...من...من
خدمتتو می کنم. هر کار
بگی می کنم. فقط بذار برم. با
من این کارو نکن.



مثل یه سگ
داری التماس می کنی.
همونطور که من زمانی التماس
پدرت کردم.

ولی ثانوس
بزرگ خیلی چیزها
به من یاد داد. به
من یاد داد هرگز
ترحم نکنم.



SLAM

ته!

ماه پیش.



ماه پیش.



ماه پیش.

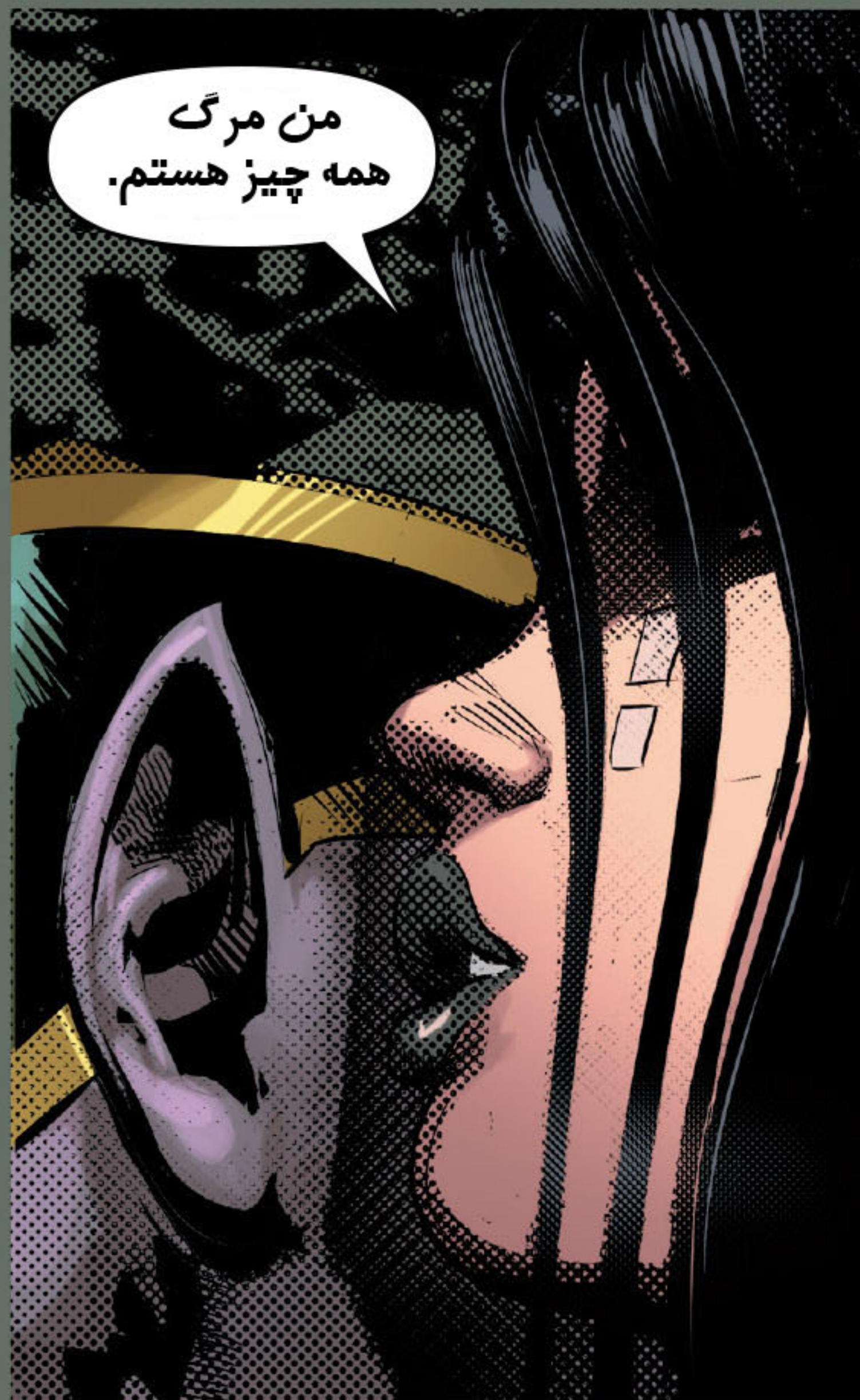


...من هرگز
تو رو رها نخواهم
کرد.



تو-تو کی هستی؟

در اعماق قلبت، می دونی من کی هستم...



من مرگ همه چیز هستم.



اومدی اینجا منو بکشی؟

نه پسر عزیزم. اومدم تو رو نجات بدم. تو رو از شر خودت نجات بدم. تا تو رو از بار سنگینی که به دوش می کشی خلاص کنم.

این بار خیلی سنگینه، مگه نه؟ این چیزی که از تولد همراهته؟

بله.



پس بذار از دوشت برش دارم.

چرا؟ چرا می خواهی کمکم کنی؟



بهم بگو ازم چی می خواهی؟ توی دنیا چه چیزی رو از هم چیز بیشتر دوست داری؟

من... می خوام پدرم رو بکشم. می خوام ثانوس رو بکشم.



ما خواسته مشترکی داریم. به همین خاطره که می خوام کمکم کنم اونو بکشی.



ولی چطور می تونم این کارو بکنم؟ من همه قدرتم رو از دست دادم. من هیچی نیستم.



قدرت چیز خنده داریه تین. تو خودت دیدی که به چه سادگی می تونه از بین بره. می شه اونو هدیه داد... و دوباره پیداش کرد.

اگه با من همراه بشی، کمکت می کنم قدرت رو پیدا کنی. قدرتی زیاد. و به کمک هم ثانوس رو می کشیم.

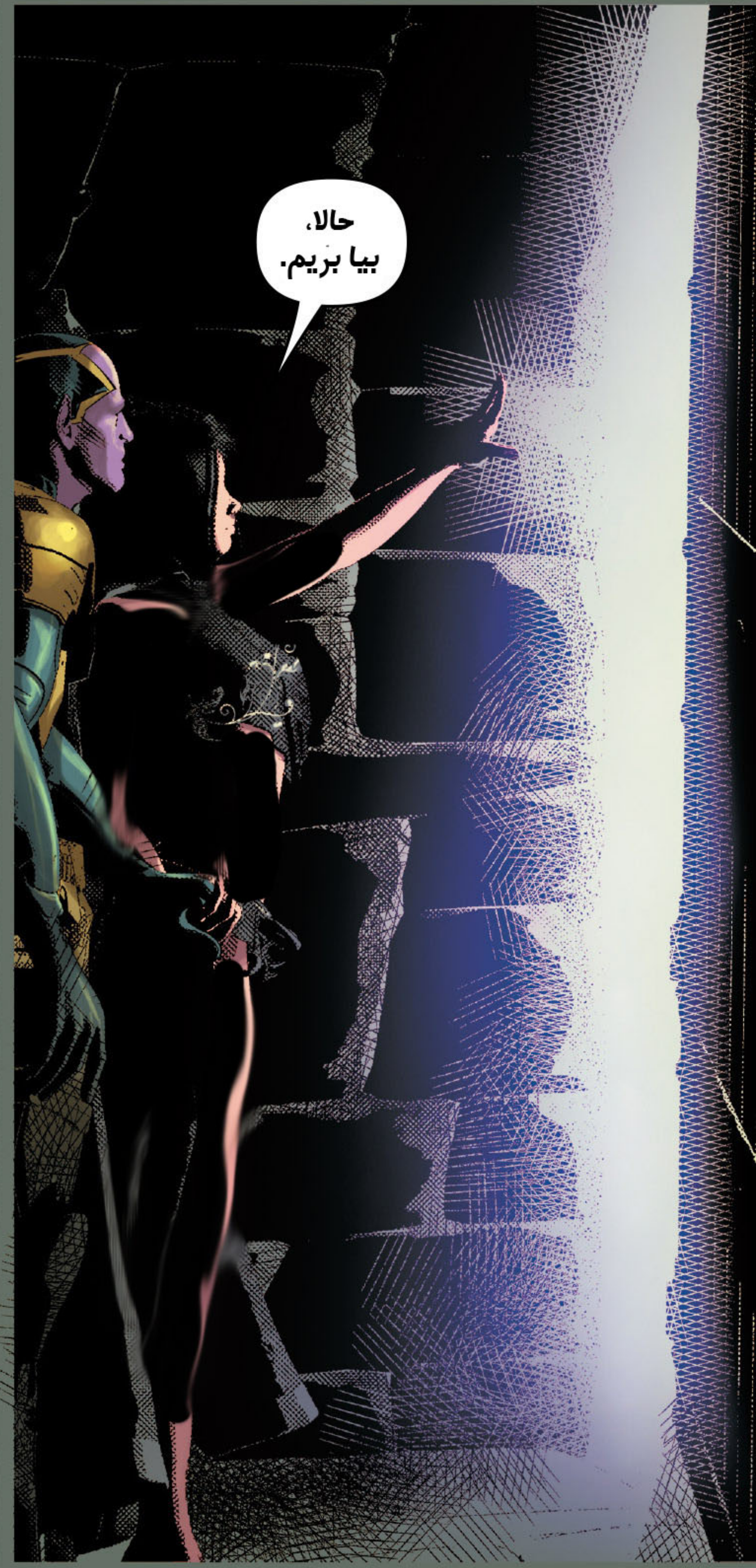
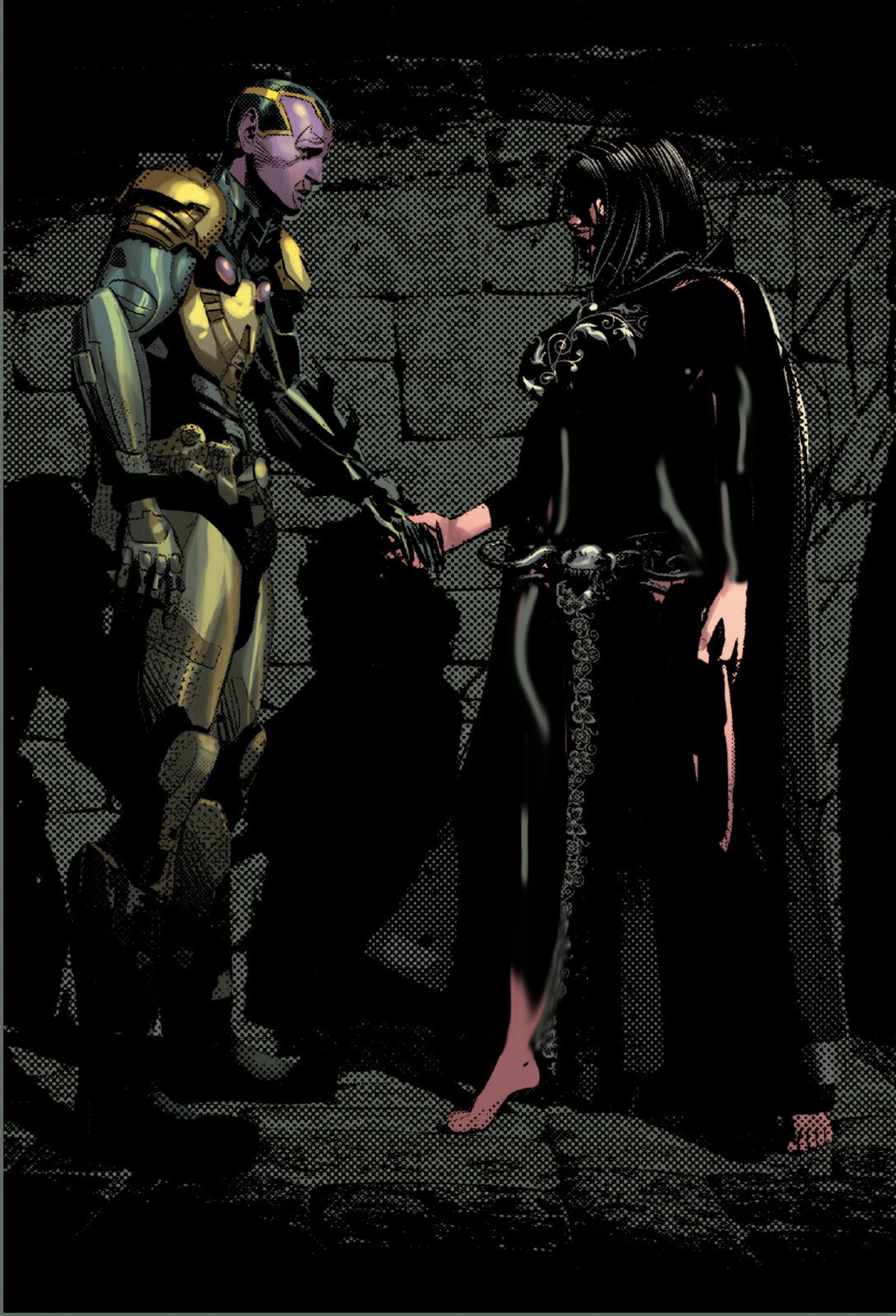
قبول می کنی؟

بله، حتماً!

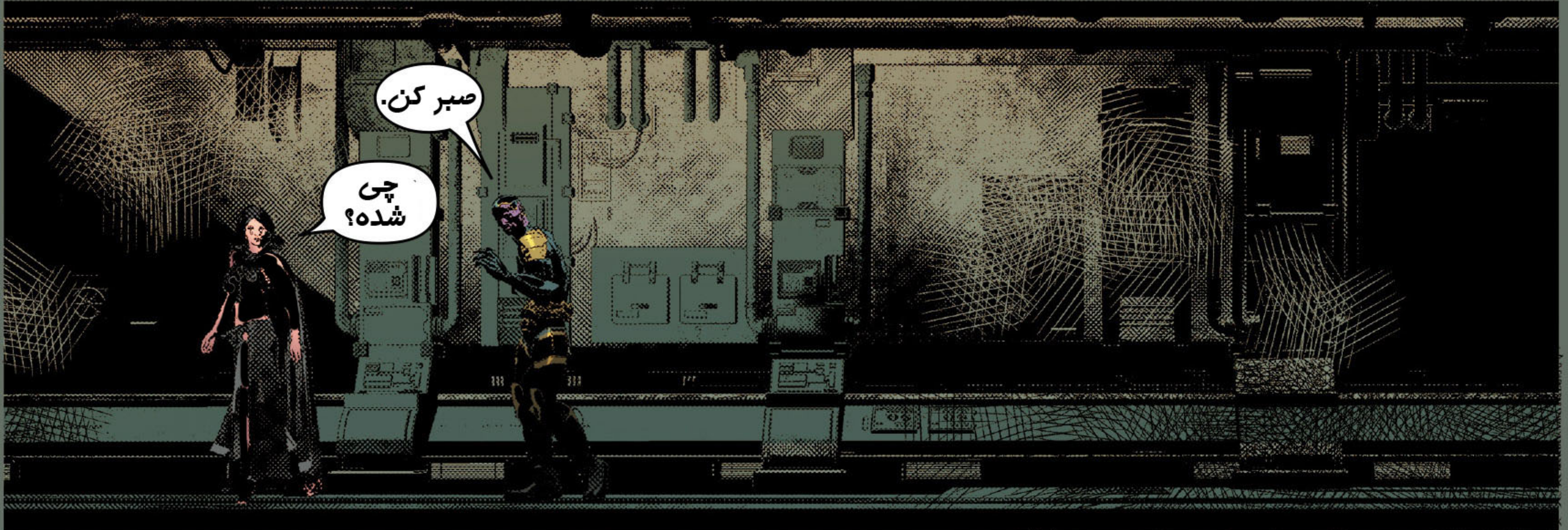


بیا تین، بیا از اینجا ببرمت بیرون. بذار تمام درد و گرسنگی و عصبیتت از بین بره.

تنها کاری که باید بکنی اینه که خودتو بسپاری به من. فقط خودتو بسپار به من.



حالا،
بیا بریم.



صبر کن.

چی
شده؟



کاری هست
که اول باید
انجامش بدم.



تریگو.

تین؟ واقعا
خودتی پسر؟
دارم خواب
می بینم؟



راستش اصلاً نمی دونم
ولی فکر می کنم واقعیت
داره. فکر می کنم آزاد شدم.
می تونم تو رو هم آزاد کنم.
ولی اول باید یه چیزی
رو بدونی...



می خواهی
بهم کمک کنی
یه کار واقعا بزرگ
انجام بدیم؟
می خواهی یه
قهرمان واقعی باشی؟



در مورد چی
داری حرف می زنی
پسر؟ دیوونه شدی؟
می خواهی چیکار
کنیم؟



می خوام
یه نفر رو بکشیم.

دانلود

زمان حال.



تریگو و من شما رو به دلیلی خاص اینجا دور هم جمع کردیم. آیا می خواهید تمام عمر از سفینه های باری دوریالی دزدی کنید؟ آیا می خواهید زندگی خود رو به ولگردی و بطالت بگذرونید؟

با من دوریالی می کنید؟
YOU WANT TO BE SOMETHING MORE?
DO YOU WANT TO DO SOMETHING GREAT?

فرض کنیم که ما قبول کنیم در این جنون همراه تو باشیم. قراره به چه صورتی حمله کنیم؟

درسته. روبرویی مستقیم با ثانوس حتی در حالت ضعفش خودکشیه.



هر دو شما حق دارید. یه چیز دیگه هست که لازم داریم. چیزی که از تون می خوام اونو بدزدید... از تراکس محوف.

تریگو و من اطلاعات دقیقی داریم که تراکس یکی از افسران قدیمی ثانوس رو در سفینه خودش حبس کرده.

گفته می شه این مزدور یه راه مخفی به سمت قلب بلک کوادرنانت بلده.



پس ما می ریم و این مرد رو به همراه اطلاعاتش گیر میاریم و قبل از اینکه ثانوس بدونه، بهش حمله می کنیم؟

همینطوره نیپولا. اینجا تو وارد می شی. تنها کسی که می دونه چطور از دفاع تراکس رد بشه و زندانی رو بدزده تو هستی.



اروس، تو باید نقش عامل انحرافی رو بازی کنی. تو برای مأموریتی دیپلماتیک می ری سراغ تراکس. اونو سرگرم می کنی تا نیپولا و تریگو وارد بشن.

اگه اوضاع به هم ریخت شما بازوی ما هستی عمو. شما تنها کسی هستید که قدرت کنترل کردن تراکس رو دارید.



خودت چی؟ ما به تو چه نیازی داریم؟



من؟ خوب.
این نقشه منه.
من رهبرم.



رهبر؟
ها! من اینطور
فکر نمی کنم برادرزاده
عزیز. من نیازی
به رهبر ندارم.



ها ها! یه کم صبر
کن. تو به ما بیشتر نیاز
داری تا من به شما. این
موضوع رو باید بپذیری.



بذار اونجا
خوش باشند. عشق
من.



بزودی تو
تنها کسی خواهی
بود که می خندی...



ما الان خیلی به همدیگه
نزدیک هستیم. اونجا فقط سرباز
تو هستند. ببین. چیزهایی رو
که در راهه ببین...

یک هفته بعد.

"...آینده رو ببین.
مرگ یک خدا و تولد
خدایی دیگر رو ببین."

ادامه دارد...

THANOS



دورنامه
dorrname.ir

مرجع کمیک های فارسی